



مرکز تحقیقات اسلامی

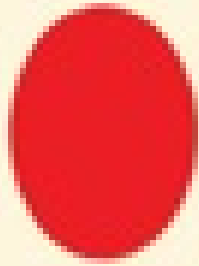
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



امواج غدیر

پرگفتار از علامه

مدرسہ اسلامیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امواج غدیر

نویسنده:

محمد رضا حکیمی

ناشر چاپی:

موسسه معارف اسلامی امام رضا علیهم السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امواج غدیر
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۲۰	... امواج غدیر و تأثیر سخنان رسول الله ، خواص اصحاب را می خروشاوند :
۳۵	توضیح
۴۲	تا آنجا که امام می نویسد:
۴۵	اسناد بعضی از بزرگان علم حدیث ، از اهل سنت
۵۷	« علامه دهخدا » در احوال ابو ریحان می گوید:
۵۷	باز جرجی زیدان می گوید:
۵۸	نیز درباره « شیخ مفید » می نویسند:
۷۰	حکیم سنائی غزنوی (م: ۵۳۲ ق):
۷۰	ملک الشعرا بهار (م: ۱۳۳۰ ش):
۸۲	درباره مرکز

سرشناسه : حکیمی، محمدرضا، 1314-1400.

عنوان و نام پدیدآور : امواج غدیر/ برگرفته از آثار محمدرضا حکیمی.

مشخصات نشر : قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، 1390.

مشخصات ظاهری : 76ص.؛ 14×14 س م.

شابک : 10000 ریال: 0-2-90351-600-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق -- اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم

رده بندی کنگره : BP223/54/ح77الف8 1389

رده بندی دیویی : 297/452

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی _گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

السَّلَامُ عَلَی الْمَهْدِی ...

الذّی یمَلأُ الأرضَ قِسْطاً وَعَدلاً.....

درود بر مهدی

زنده کننده قران

و نجات دهنده انسان .

ص: 3

... و در تاریخ جهان موجی نوسان خیز افکند؛ موجی که از سرچشمه الهام به دست او به حرکت در آمد، و کشتی را که بادبان عدل و دادگستری و شجاعت و ایمان رهبریش می کرد، بر افیانس بیکران زمان، به سوی سواحل خوشبختی و سعادت روان ساخت ...

ص: 4

سطح آب از نوازش نسیم می لرزید؛ نسیمی که آهسته از روی ریگها می گذشت و از لابلائی سنگها عبور می کرد.

کرانه برکه از هجوم موج طراوتی یافته بود. گاهی برگی نیز دستخوش لرزش آب می شد.

صخره ها با اندک سایه ای که افکنده بودند، شکوه و جلال طبیعت را مجسم می کردند. تپه ها ... سر به درون یکدیگر نهاده در کرانه های ابهام آمیز صحرا ناپدید می گشتند. قطعه ابری در افق دوردست دیده می شد، و پرندگانی برفراز ریگزارهای وسیع در پرواز بودند.

ص: 5

سکوتی عمیق همه چیز را فرا گرفته بود. آسمان نیز عکسی از آرامش صحرا بود. جز زمزمه هستی، آوایی به گوش نمی رسید.

زمان منتظر حادثه ای شورانگیز بود؛ و طبیعت به استقبال آهنگی خوشنوا می شتافت ...

لحظاتی دقیق گذشت ...

ارتعاشات صوتی، سینه فضا را شکافت؛ در دل کوهسار طنین افکند؛ با اشعه آفتاب درآمیخت و به روی برکه فرود آمد ...

آب می لرزید، و امواج دلپذیرش را گسترش می داد؛ امواجی جاوید و همیشگی ...

مسیر این امواج تنها آن برکه نبود، فضای صحرا تا آخرین چشم انداز دشتهای، تا درون دره های عمیق و فراز بیابانهای خاموش، قبه نیلگون سپهر تا سراپرده های افلاک که جایگاه فرشتگان است، زوایای اندیشه ها، اعماق

ص: 6

روانها، و در یک سخن امتداد تاریخ انسان دستخوش این امواج گشت ...

چه تأثیری!

چه نفوذ عمیق و پردامنه ای!

چه فروغ رخشنده ای!

چه انعکاس تابناک و بی پایانی!

نغمه های پاک و الفاظ جذابی که در آن روز، در آن دشت ساکت، و در آن اجتماع پهناور صحرائی، چون روحی مصفا با جانها در آمیخت؛ و چون فروغی گسترده، در دلها پرتو افکند.

گفتاری که در تاریخ هدایت و تربیت، فروزاترین سطرهای برنامه رهبران بود. مآل اندیشی که به سود حقوق انسان، از دلی آکنده از عشق به هدایت، سرچشمه می گرفت. کلماتی که مبانی اصلاح و سعادت جاوید را

ص: 7

در خود نهفته داشت و فروغی بود که از ملکوت اعلی جدا گردید و از کرانه آسمان وحی بدرخشید، تا مسیر بی پایان هستی را به تلالؤ درآورد.

از فراز منبری طبیعی، از جهاز شتران، از روی تخته سنگهای استوار، در هوای صاف ظهر بیابان، همراه نوایی آسمانی و دل انگیز، در دامان آرامش دهنده صحرا؛ جایی که سکوت مطلق طبیعت، اندیشه ها را متمرکز می سازد و هدف وجود، بشر غافل را به خود می آورد؛ جایی که عظمت آفرینش از رازهای خود پرده می افکند، و شکوه کاینات و مظاهر هستی، انسان سهل انگار را به تأمل و تدبر وامی دارد.

آنجا... آنجا که از محیط محدود شهرها و آبادیها اثری نیست؛ و از در و دیوارهای عمارت‌های مأنوس یادی به جای نمانده است؛ و روان انسان چون صفحه ای سپید، آماده پذیرش هر حقیقتی است.

ص: 8

از زبان برگزیده کائنات، که به گفته فیلسوف انگلیسی، توماس کارلایل (1): «راز هستی برابر دو چشمش فروغ می کشید، و آوایش چنان بود که گویی از دل طبیعت برمی خاست» (2)

از رهبری ملکوتی که عمری را در شور تربیت، و رنج گرانبار تعلیم به سر آورده در تهذیب و تعدیل عواطف اجتماع، کوششهای فراوان کرده است، و سالها محبت بی دریغش را بر همه مبذول داشته، تا برنامه حیات بخش آسمانی را گسترش دهد.

از مصلحی مهربان، از آموزگاری عزیزتر از جان.

آری، از محمد «صلی الله علیه و آله»، از این رهنمای گرامی و کانون مهر و فضیلت، از

ص: 9

1- 1793 - 1881 (Thomas carlye)، «سیر حکمت در اروپا» ج 3، ص 138 - 139.

2- «الأبطال»، «محمد رسول الهدی و الرحمة»، ص 28 - 29.

این مربی رنج‌دیده و فداکار، که هم‌اکنون روزهای عمر پر انقلاب خود را پس از ادای وظایف پیامبری - به پایان می‌برد.

به یاران و اصحاب، به مسلمانانی که مناسک حج را به جا آورده‌اند، و آن صحنه عبادت اجتماعی را برگزار کرده‌اند؛ و هنوز خاطرات حج را - که زایل‌کننده غرور و خودخواهی است - از یاد نبرده‌اند؛ و صفایی از پرستش و نیایش، روحشان را سرشار ساخته است.

و در چنان موقعیتی حساس، که برای ابد، جامع‌ترین طرح قسط و عدل و تعالی اخلاقی ریخته می‌شود؛ و در دقایقی که راز بقای دین و تربیت، آشکار می‌گردد؛ و نتیجه نهایی آفرینش (حکومت دین کامل در جوامع بشری) در آشکارترین صورت، خودنمایی می‌کند؛ و هسته مرکزی سازمان هدایت یکجا به بشریت رو می‌آورد: زبان وحی سخن

ص: 10

می گوید و فروغ الهامی را که در سینه پاکش درخشیده است به صفحات افکار و روانها می تاباند؛ و زحمات طاقت فرسای پیامبران، همراه مجاهدات بیست و سه ساله او هم اکنون در این چند ساعت خلاصه می شود، و برنامه هدایت و سعادت بشر تا دامنه رستاخیز تنظیم می گردد.

پس ، تاریخ انسانیت است و این لحظات ...

و آسمان هدایت است و این تشعشع عالمگیر ...

و پیاپی رسیدن علل کائنات است و این دقایق تابناک ...

معرفی انسانی الاهی و برتر از انسانها ، دست در دست معلم انسانیت ، در گرمای سوزان غدیر، در منظر تودهای انبوه از انسانها، با حضور زیده مسلمانان، موضوعی ساده نبود. اینجا بود که نیروی انقلاب معنوی می رفت که مسیر تاریخ را دگرگون سازد، و مکتب یکتاپرستی و انساندوستی ، سراسر گیتی را زیر نفوذ تعلیمات خود گیرد ...

ص: 11

باری، در این وضع حساس و در این هنگامه شورانگیز تاریخ، پیامبر عظیم الشان اسلام، پیشوای سعادت جاوید را به آن اجتماع پهناور - در حالی که چند تن از مردان قوی الصوت گفتارش را تکرار می کردند - معرفی کرد. به طوری که هر کس در آن صحرا بود، حتی آنان که در گردآگرد جمعیت ایستاده بودند، یا از ازدحام و سوز گرما به خیمه های خود پناهنده شده بودند، آن گفتار را شنیدند، و علی « علیه السلام » را که رسول خدا دست او را گرفته و بلند کرده و نشان می داد دیدند .

محمد « صلی الله علیه و آله » با این معرفی روشن و تعلیم زنده، کارنامه آموزش و پرورش را کامل ساخت. و وظیفه گران و نهایی خویش را به پایان برد. و در تاریخ جهان موجی نوسان خیز افکند؛ موجی که به دست او از سرچشمه الهام به حرکت درآمد و کشتی را که بادبان عدل و دادگستری

ص: 12

و شجاعت و ایمان، رهبرش می کرد بر اقیانوس بیکران زمان، به سوی سواحل خوشبختی و سعادت، روان ساخت.

*

کلمات و گفتار پیشوای بزرگ مسلمانان، درباره حضرت علی، که در چنین شرایط بی سابقه و پراهمیتی ادا گشت، ارواح و قلوب را به خود جذب کرد؛ و در اعماق روانها نقش گردید؛ مخصوصا با تأکید پیامبر، که به دیگران بگویند و ارمغان ولایت علی را به دیار خود باز رسانند ...

و همواره این سان اثر داشت، و روز به روز، به رغم عواملی که در کار بود، انعکاس آن افزون می گشت؛ و این امواج دامن گستر، پیایی به پیشروی خود ادامه می داد.

*

ص: 13

کاروان همسفر پیغمبر، پس از اقامت سه روزه، (1) از بیابان غدیر حرکت کرد و مردم را به وطنهای خود باز رسانید. مردم در انجمنها و محفله‌ها نشستند؛ و حدیث غدیر را بازگو کردند، و به کوچک و بزرگ و قبایل و طوایف رساندند.

کاروانیان مدینه نیز به سر منزل خویش فرود آمدند. در این میان، چند روز دیگر عمر پیغمبر سپری گشت. اشعه وحی گسستگی یافت، و چهره منجی بزرگ جهان در خاکهای مدینه پاک پنهان شد. محمد جهان را بدرود گفت؛ درود خدا بر او و خاندان او باد.

در اثر این حادثه سهمگین، اوضاع مرکز اسلام بر آشفت. علی و آل هاشم به ضروری ترین وظیفه خود، یعنی برگزاری مراسم کفن و دفن بدن رسول الله،

ص: 14

1- «الغدیر»، ج 1، ص 270.

اشتغال ورزیدند. در انظار عموم، خلافت و امامت علی جای تردید نداشت. و کسی فکر نمی کرد که عرب این امر را از خاندان نبوت بیرون برد؛ و از پرورش یافتگان دامن وحی، راهی جدا گیرد؛ و در مرکز حکومت اسلام و قرآن، شخصی مانند علی بن ابیطالب را یک ربع قرن خانه نشین سازد.

ما از اینجا می خواهیم گسترش «امواج غدیر» را بنگریم که چگونه سدها را می شکافت؛ و با نوسانات طبیعی و نفوذ معنوی خود به کرانه های تاریخ اسلام هجوم می آورد.

... امواج غدیر و تأثیر سخنان رسول الله ، خواص اصحاب را می خروشاند :

• حباب بن منذر، صحابی بدری بزرگ ، با شمشیری کشیده و با جملاتی تهدید آمیز شعار می داد.

• سعد بن عباد، رئیس قبیله خزرج و بزرگ انصار، فریاد می کشید :

ص: 15

تیرهایی که با خود دارم به سویتان می افکنم، و شمشیرم را به خونتان می آلام.

• زبیر، شمشیر کشیده می گفت: این تیغ را در نیام نبرم تا با علی بیعت کنید.

• مقدار - نمونه عالی ایمان و استقامت - با جوش و خروشی فراوان از حقوق امام دفاع می کرد؛ و در برابر پیشامدها پای می فشرد.

• انصار، جبهه مسلمانان مجاهد، با این جمله مهیج شو آور: «لا نبایع إلا علیا -- جز با علی بیعت نمی کنیم»، شعارها می دادند.

در اینجا سخن را ادامه نمی دهیم؛ و با نقل چند جمله از نویسنده مشهور مصری، «عبدالفتاح عبدالمقصود»، استاد دانشگاه اسکندریه، میگذریم:

دسته دسته اصحاب، گاه پنهان و گاه آشکار، گرد هم جمع می شدند و مردم را به طرف فرزند ابوطالب دعوت می کردند؛

ص: 16

زیرا او را سزاوارتر از همه به تصرف در امور خلافت دیده بودند. بعد گرداگرد خانه علی اجتماع کردند. به نام او شعار می دادند و می خواستند بیرون آید تا میراث گرفته شده اش را به او بازگردانند. این امور زمینه ساز شد که مسلمین در برابر این پیشامد، پاره‌های مددگار شدند، و برخی سر مخالفت برداشتند؛ و ناگاه در مدینه دو دستگی برپا شد و آن وحدت و یگانگی که محل امید بود شکاف برداشت؛ بطوری که نزدیک بود مدینه از هم پاشد؛ و جز خدا کسی نمی دانست عاقبت این اوضاع چه خواهد بود...⁽¹⁾

ص: 17

1- کتاب «الامام علی بن ابی طالب» ص 225، از چاپ اول و 212 از چاپ سوم. «الغدیر»، ج 3، ص 103.

باز امواج طوفانی غدیر بود که روزی خاندان پیامبر را به دفاع از حقوق امامت برانگیخت و برای اصلاح مبانی اقتصادی و سیاسی به قیام واداشت. آن روز که بانوی بزرگ، حضرت فاطمه «سلام الله علیها»، به مسجد پیغمبر درآمد؛ و در پس پرده ای که در زاویه مسجد آویخته بودند، با شکوهی که خاص نوامیس نبوت است، میان زنان آل هاشم به پاخاست؛ و خطبه شورانگیز مسجد مدینه را بر اجتماع مسلمین فرو خواند. او در خلال آن کلمات سوزان، که ارکان مدینه را لرزاند و در تار و پود تاریخ زمزمه ای غم انگیز افکند، خطاب به جوانان غیور مسلمان چنین فرمود:

ای گروه جوانان!

ای بازوان ملت و یاوران اسلام!

ای انصار!

این چه سستی است درباره یاری من؟

ص: 18

بدانید! من درست درک کردم که شما به طرف خوشگذرانی رو آوردید، و از محدودیت وظایف (و حکومت دقیق علی) شانه تھی کردید!
آنچه را فرا گرفته بودید (اشاره به بیعت روز غدیر) ، کنار گذاشتید؛

و روزی دیگر، در بستر بیماری ، به وسیله بانوانی که به عیادتش آمده بودند، پیامی آتشین به مسلمانان فرستاد و در آن پیام فرمود:

شگفتا از اینان!

خلافت را از مراکز استوار رسالت و پایگاههای عالی نبوت به کجا انتقال دادند؟ بدانید که زیان روشن و نمایان، خود همین است ...

آیندگان ، نتیجه این کار را که اینک انجام گرفت، خواهند دانست. اکنون بروید و دل خوش دارید! ولیکن برای فتنه آماده باشید! و به شمشیر
بران و آشوب پیاپی و استیلائی هر

ص: 19

متجاوز بیدادگر و استبداد ظالمان، به خود مژده دهید!... اندوخته شما نابود گردد و کشته شما را دیگران درو کنند و برای شما حسرت و افسوس بماند و بس... (1)

بانوی اسلام از آزادی و مرز عالی حقوق انسان این گونه دفاع کرد، و برای جلوگیری از انحراف برنامه هدایت پایستاد. و معنی دفاع از آزادی واقعی انسان را، که آرزوی مقدس جامعه شناسان (2) و انسان دوستان است، به ثبوت رسانید. و به گفته استاد عقاد مصری: «شخصیت مستقل

ص: 20

-
- 1- «الغدیر»، ج 7، ص 191 - 192 و ج 9، ص 387. «النص و الاجتهاد»، ص 30 به بعد. «ریاحین الشریعه»، ج 1، ص 311 - 344 و ج 2، ص 40 - 54. و در این کتابها برخی از دانشمندان اهل تسنن که خطبه مسجد مدینه را نقل کرده اند از قبیل عبد العزیز جوهری و حافظ مرزبانی و حافظ ابوموسی و مؤلف «بلاغات النساء» و ذکر شده اند.
- 2- «قرارداد اجتماعی»، «صوت العداله» و ...

خویش را، که جامعه اسلام حسابش را ساده نمی گرفت، در راه تأمین امور اجتماعی و سیاست مالی و اقتصادی به کار برد...» (1)

*

باز امواج پر تلاطم غدیر را، که به صورت «احتجاج» طغیان می کرد، می نگریم. زیرا، اصحاب و خاندان رسول، پس از آن چشم پوشی نسبت به «واقعه غدیر»، صحنه مهیج غدیر را همراه سایر مناقب علی «علیه السلام» به یاد مردم می آوردند. و بدین وسیله، نبی اکرم «صلی الله علیه وآله» و خواسته هایش را از خلال کلمات و احادیث، در نظر جامعه مجسم می کردند.

در مواردی خود امام علی بن ابیطالب به حدیث غدیر احتجاج و استدلال کرده است؛ از آن جمله در مسجد مدینه، پس از درگذشت پیامبر؛

ص: 21

1- «فاطمه الزهراء و الفاطميون» ص 61.

و روزی که خلیفه سوم به وسیله عبدالرحمان عوف خلیفه گشت؛ و در میدانگاه وسیع کوفه (رحبه) که محل اجتماع همگان بود و... (1)

دانشمندان اهل تسنن روایت کرده اند که یکی از موارد استدلال امام، روزی بود که در کوفه خطبه ای خواند، و پس از ستایش آفریدگار هستی فرمود:

من شما را به خدا سوگند میدهم، هر کس در غدیر حاضر بوده بایستد. تنها کسانی بایستند که به گوش خود شنیدند و فراگرفتند؛ نه آنان که می گویند: به ما خبر رسیده و دانسته ایم...

آنگاه جمعی از بزرگان اصحاب به پاخواستند؛ که احمد حنبل

ص: 22

1- «الغدیر»، ج 1، ص 159 - 196.

- محدث متبحر و پیشوای مذهب حنبلی - در کتاب «مناقب» می گوید: « آن جمع سی نفر بودند که به شنیدن حدیث غدیر گواهی دادند». (1)

امام حسن مجتبی « علیه السلام » نیز غدیر را یادآورگشت؛ و در ضمن خطبه ای فرمود.

همین امت از جدم شنیدند که می گفت: « مردمی که امرشان را به شخصی بسپارند که داناتر از او هم در میانشان باشد، همواره روزگارشان به پستی و سفلی گراید».. و نیز شنیدند هنگامی که دست پدرم را در غدیر خم گرفت و گفت: « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ ... »؛ و فرمود تا هر کس شاهد آن مراسم بود به دیگران ابلاغ کند. (2)

ص: 23

1- «الغدیر»، ج 1، ص 185.

2- «الغدیر»، ج 1، ص 198.

امام حسین «علیه السلام» نیز، هنگامی که در اجتماع اسلامی مکه سخنرانی کرد، حدیث غدیر را در میان گذارد. امام دو سال پیش از مرگ معاویه حج گزارد؛ عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر (1) نیز همراهش بودند. در مکه بنی هاشم و شیعیان و انصار و زهاد و صلحای اصحاب و تابعان (2) را گرد آورد، تا افزون از هفتصد نفر از تابعان در منی در خیمه امام حضور یافتند؛ و دویست نفر از اصحاب پیغمبر نیز بودند. آنگاه در میان آنان به پاخاست و خطبه خواند و پس از ستایش خداوند فرمود:

کارهایی که این مرد سرکش (معاویه) نسبت به ما و شیعیانمان انجام داده است، همه را مشاهده کرده اید؛

ص: 24

1- عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، عبدالله بن جعفر بن ابیطالب، هر دو از شخصیت‌های مشهور صدر اسلام، و از بزرگان آل هاشم بودند.

2- تابعان کسانی هستند که به حضور پیغمبر (صلی الله علیه وآله) نرسیده ولی اصحاب پیغمبر را ملاقات کرده اند.

شنیده اید؛ و میدانید. من اکنون می خواهم چیزی پرسم، شما در تصدیق و تکذیب من به حقیقت موضوع نگاه کنید! گفتارم را بشنوید! سخنم را بنویسید. سپس به شهرها و قبایل خود که رسیدید و مردمی را که مورد اعتمادند ملاقات کردید، آنان را به حق ما فراخوانید! زیرا ما بیم داریم که این حق (حکومت عادل قرآنی)، پایمال گشته از میان برود، اگرچه خداوند تجلی فروغ خود را کامل می کند ...

سپس هر آیه که درباره اهل بیت رسول بود خواند و تفسیر کرد؛ و هر چه پیغمبر درباره پدر و مادر و خودش و خاندانش گفته بود نقل کرد، و همه می گفتند: « بار خدایا، شنیده ایم و حضور داشته ایم»؛ و تابعان می گفتند: « اصحاب راستین به ما خبر داده اند.» تا آنجا که امام فرمود:

شما را به خدا سوگند میدهم، آیا میدانید که در غدیر خم

ص: 25

علی را به خلافت نصب کرد و به ولایت او ندا در داد، و فرمود تا حاضران به کسانی که نبودند برسانند؟

همه گفتند: خدا گواه است که چنین بوده است... (1)

بجز علی - علیه السلام - و خاندان علی ، سایر شخصیت‌های برجسته اسلام نیز به داستان غدیر استدلال کرده اند، و در فرصت‌های مناسب ، افکار را به این واقعه و اهمیتی که از نظر دینی و اجتماعی دارد توجه داده اند. دانشمندان اهل تسنن، آن احتجاجات را نقل کرده اند. علامه امینی، نیز در نخستین جلد «الغدیر»، فصلی را در 54 صفحه، به این عنوان (استدلال به حدیث غدیر) اختصاص داده است .

*

ص: 26

1- «الغدیر»، ج 1، ص 198-199.

باز امواج نشاط انگیز غدیر را می بینیم که در چهره سرودن مناقب و نشر فضایل جلوه گر می شد؛ و دلها را روشن کرده به روان مردم سروری روحانی می بخشید؛ و بر تألیفات و ادبیات اسلامی، موادی ارزنده می افزود؛ تا جایی که سرودن اشعاری که از مکارم عالییه سرچشمه گرفته بود، به ادبیات و شعر، حیاتی پرطراوت و نشاط بخش داد.

کاروان ادب، داستان غدیر و سایر مناقب علی «علیه السلام» را بر دوش خود، و در امتداد موج زمان حمل می کرد، و زبان شعر، ترجمان صفات ملکوتی علی بود. ادبیات و شعر، با اثر نافذی که دارند به سوی این هدف مقدس پیش می رفتند، و مشعل فروزان «علی شناسی» را فراراه عواطف حساس و ذوقهای سلیم اجتماعات قرار می دادند، و دل و جان شنوندگان را تسخیر می کردند ...

ص: 27

از این رو شعرای مناقب سرا که خوش قریحه ترین شاعران اسلامی بودند، با پخش فضایل علی و اولاد علی، در کالبد اجتماع روحی تازه می دمیدند و محبتی پاک و پر شور به وجود می آوردند، و در تحکیم مبانی دین خدا به پیروزیهایی بزرگ دست می یافتند.

این اشعار، آن سان که در معابر و محافل خوانده می شد، و تا زوایای شهرها گوش به گوش می رسید، برای تجسیم فضیلتها و تشویق اجتماع به کسب افتخارات، وسیله ای بس مؤثر بود.

اگر دانشمندانی چون « محمد علی فروغی » جوش می زنند که جوانان این آب و خاک باید « شاهنامه » بخوانند تا نجابت ایرانی بودن و حس ملیت و رادمردی و مکارم نژادی در آنان زنده شود - و حق هم دارند - پس نشر و گسترش فضایل و عظمتهای علی و آل علی «علیه السلام» چه اثری در افکار خواهد

گذارد؟! و چه بزرگی و علو و پایداری به روح انسان خواهد بخشید!؟

*

باز طغیان امواج غدیر را در کانون عواطف و سینه های پر خروش دوستان علی می بینیم؛ آن آزاد مردانی که تا جان شیرین خود را بیباکانه نیشاندند از پای نشستند. و علی را چنان شناختند که در راه یاری او جان باختند، و مهر او در دلشان با شیر اندرون شد و با جان بدر رفت

مسلمانان غیور صدر اسلام، به پیشگاه مقدس علی «علیه السلام» ارادتی بسزا می ورزیدند؛ و در دفاع از حقوق او روشی پیگیر و استوار داشتند، زیرا او را جامع همه فضائل عالی انسانی یافته بودند؛ و غیورترین مدافع و سرسخت ترین مجاهد راه دین و حق و عدالتش می دانستند. و از اینجا بدین نکته مهم، درست پی می بریم که چرا دوستی علی «علیه السلام»، مقیاس

ص: 29

سنجش ایمان است؛ که هر کس علی را دوست بدارد مؤمن، و گرنه منافق و بی حقیقت است. (1)

توضیح

کسانی که به دین یا مکتبی عقیده داشته باشند، بحتم به رشید ترین و برجسته ترین فرد آن دین یا مکتب نیز علاقه مندند، زیرا او نمونه زنده و منعکس کننده تعلیمات آن دین و مکتب است. و مهرورزی نسبت به چنین فردی هنگامی افزایش می یابد که در او علاوه بر فضایل روحی، فداکاری بی دریغی وجود داشته باشد که در هر حادثه و نبردی سینه

ص: 30

1- در مدارک معتبر اهل تسنن، روایات زیادی از پیغمبر اکرم «صلی الله علیه وآله» رسیده است که محبت علی «علیه السلام» علامت ایمان و پاکزادگی و دشمنی وی نشانه نفاق و خلل زاد و رود است. «الغدیر»، ج 3، ص 25 - 26 و 182 - 188 و ج 4، ص 321 - 325.

سپر کند و حیات آن دین و مکتب را با جانبازیها و از خودگذشتگیهایش حفظ کند . این شخص از نظر معتقدان به آن دین محبوبترین فرد است . چنانکه گروهی که مخالف آن دین یا مکتب باشند و پیشرفت تعلیماتش را نخواهند، نسبت به این گونه افراد، دشمنی و کینه توزی و کارشکنی بیشتری می کنند.

*

امواج غدیر همچنین در حال نوسان و خروش بود؛ و به کیفیتهای گوناگون آشکار می گشت؛ و در کانون مقدس دین و محبت، عناصر زنده ای پدید می آورد؛ و آزاد مردانی تربیت می کرد که صفحات تاریخ با جانبازیهای آنان درخشان است، و دامن شفق با خونهای پاکشان رنگین .

همان رادمردانی که با از خودگذشتگیهای شگفت آور، زمزمه حریت را برای ابد در این گنبد کبود افکندند؛ و صحنه جانسوز

ص: 31

فداکاریهای خود را چون مجسمه های منصوب بر سر میدانها، در منظر آینده بشریت قرار دادند، و خاطرات فتح مرزهای فضیلت را چونان مراسم باشکوه سرباز گمنام برای تقویت روح آیندگان به جای گذاردند.

در میدان کوفه، مردی پارسا و زاهد را بنگرید که فروغ ایمان از رخساره اش آشکار است؛ و آثار سجود و شب زنده داری تالو خاصیه به سیمایش بخشیده است؛ و با دست و پای قطع شده و بدن آغشته به خون، بر سر دار، با مردم سخن می گوید و دلها را به بیان فضائل علی زنده می کند، و در لحظات آخر زندگی، مدافع حقوق انسانیت را می شناساند. (1) درود بر این روح وارسته و فکر آزاد و زندگی پاک!...

ص: 32

1- «وسائل» ج 2، «منتهی الآمال» ج 1، نیز به کتاب «میثم تمار».

در کنار « مرج عذراء»، (1) حجر بن عدی را ببینید که کارگردانان خونخوار معاویه، بیزاری از علی را به وی عرضه می دارند و او ابا می ورزد. و پس از ادای دو رکعت نماز، سبزه زار « مرج عذرا» را با خون خود سرخ فام کرده سر به خاکی که آرامگاه عشق و آزادگی است می سپارد. (2)

در اینجا رشته سخن را به دست بیان شیوای استاد علامه، دکتر علی اکبر فیاض می سپاریم:

معاویه مسئله خونخواهی عثمان را فراموش نمی کرد، و این سیاست را چون اساس خلافت خود می دانست همیشه تعقیب می کرد. در شام این سیاست به سهولت پیش رفته بود؛ و مردم سهل الانقیاد آنجا در اثر تلقین، از خود معاویه عثمانی تر شده

ص: 33

1- از سبزه زارهای اطراف دمشق (مراصد الاطلاع).

2- «الغدیر»، ج 11، ص 45 - 61.

بودند. اما در عراق - که مهد تشیع بود - کار آسان نبود. عاملان معاویه به دستور خلیفه بر منبرها مرتبا « ابوتراب» را دشنام میدادند؛ و شیعیان او را می جستند و میکشستند. از این مناظر خونین غم انگیز، یکی واقعه حجر بن عدی بود. حجر از طایفه « بنی کنده» بود و از رؤسای بزرگ کوفه؛ و چون مرد زاهد و دینداری بود مورد احترام مردم بود. در مواقع نماز در مسجد، وقتی که خطیب به ستایش عثمان و دشنام علی می پرداخت، حجر بی تاب می شد و بر خطیب، اعتراض و ملامت می کرد. زیاد به دستور معاویه او را با چند تن از دوستانش گرفته به زنجیر کشید و به شام فرستاد. معاویه آن جمع را به وضع فجیعی به قتل رسانید (53 ه) این واقعه در عالم اسلامی آن روز به شدت انعکاس یافت؛ و می گویند قتل آن مرد دیندار حتی در دل دشمنان شیعه اثر کرد، چنانکه

عایشه به معاویه می گفت: « اَيْنَ كَانَ جِلْمُكَ عَنْ حُجْرٍ؟ » (1) و معروف بود که معاویه در موقع مرگ خود در حال سكرات گفته است: « يَوْمِي مِنْكَ يَا حُجْرُ يَوْمٌ طَوِيلٌ ». (2)

امام حسين - عليه السلام - درباره این كشتارهای ظالمانه به معاویه چنین نوشت :

آیا تو قاتل حجر و یارانش نیستی ؟ همان مردان عابد و خاشعی که بدعتها را بد دانسته زشت می شمردند؛ و امر به معروف و نهی از منکر می کردند.

آیا تو همان كشنده عمرو بن حمق نیستی ؟ مردی كه داغ

ص: 35

1- صبر تو، ای معاویه! در مورد حجر بن عدی چه شد؟

2- روزی كه با تو، ای حجر، برای انتقام و دادخواهی در پیشگاه خدا بایستم، روزی دراز خواهد بود. « تاریخ اسلام » چاپ دوم ص 177

- 178. چاپ سوم ص 189.

عبادت ، سیمایش را فرسوده بود...

سبحان الله ای معاویه ؛ گویا تو مسلمان نیستی ! گویا تو عرب نیستی ! تو حضرمی را نکشتی ؟ (1) به صرف اینکه زیاد (والی کوفه از طرف معاویه) به تو نوشت که او به دین علی است . مگر دین علی جز دین محمد است ! همان دینی که تو را به این مقام رسانید؛ و گرنه بالاترین شرف تو و پدرانت همان بود که زمستان و تابستان در بیابانها بگردید. خداوند بر شما منت نهاد، و به وسیله ما این زحمت و ذلت را از دوشتان برداشت . تو به من می نویسی :

« امت را به فتنه مینداز ! »

من فتنه ای از این بزرگتر نمیدانم که تو امیر باشی . مینویسی :

« در کار خودت و دین و امت محمد بیندیش ! »

ص: 36

1- از یاران حجر بود که در مرج عذراء شهید شد.

من به خدا سوگند، برتر از جهاد با تو کاری سراغ ندارم. اگر این کار را انجام دهم به خدا تقرب جسته ام، و گرنه باید استغفار کنم.

تا آنجا که امام می نویسد:

ای معاویه! از خدا بترس! و بدان که نامه اعمالی که خدا برای ضبط کردار مردم دارد، هیچ گناه صغیره و کبیره ای را فروگذار نمی کند. و بدان که این کشتن و دستگیر کردن مردم به تهمت و بدگمانی، و امیر کردن این بچه شرابخور سگباز را خدا فراموش نخواهد کرد. نتیجه کارهای تو همین است فقط که خودت را هلاک کردی و دینت را تباه ساختی و جامعه را پایمال نمودی ... (1)

*

ص: 37

1- «الغدیر»، ج 10، ص 161.

باز امواج پر دامنه غدیر را در امتداد زمان می نگریم، که به صورت روایت و حدیث، پیش رفته با گسترشی جالب و حیرتزا در کتب اسلامی منعکس گشت. و با وجود موانع بسیار و تهدیدهای فراوان نسبت به طرفداران غدیر، از گفت و شنود درباره آن خودداری نشد. بلکه نقل آن را نور و حکمت می دانستند؛ و مسلمین دور از مدینه، افرادی برای شنیدن و آموختن حدیث غدیر بدان شهر اعزام می کردند، تا آن را از اصحاب بشنوند و فراگیرند و بیابند و برای ایشان بازگویند... (1)

تابعان نیز بر این منوال بودند؛ و در نشر آثار غدیر و ذکر حقایق آن اهمتامی بسزا می ورزیدند. چنانکه پس از گذشت قرن‌ها، روایت هشتاد و چهار نفر از آنان به ما رسیده است. (2)

ص: 38

1- «الغدیر»، ج 1، ص 389 - 390.

2- «الغدیر»، ج 1، ص 62 به بعد.

پیشینیان تنها به نقل حدیث اکتفا نمی کردند، بلکه با تمام نیرو و امکانات خود در تشیید مبانی غدیر می کوشیدند و با هر پیشامد و مانعی به سختی مبارزه می کردند؛ و در این راه فداکاریهایی از خود نشان دادند که هیچگاه با گذشت زمان و طلوع و غروب خورشید فراموش نمی شود.

پس از دوره تابعان، وظیفه ضبط و تعلیم روایات غدیر به عهده محدثان و دانشمندان قرون اسلامی نهاده شد؛ و آنان در گرد آوردن اسناد و مآخذ غدیر کوششی عمیق کردند و علاقه ای وافر نشان دادند؛ چنانکه پیش از این گفتیم.

و به جهت ثبوت مسلم، و اشتهار وسیع این حدیث بود که دانشمندانی از قبیل شریف مرتضی (1) و علامه میر حامد حسین هندی (2) و عده ای از

ص: 39

1- در «الشافی فی الامامه».

2- در «عَبَقَاتُ الْاَنْوَارِ».

علمای بزرگ اهل تسنن (1) آن را از معتبرترین احادیث اسلام دانسته اند، زیرا کمتر حدیثی است که دارای این همه سند و مدرک باشد.

اسناد بعضی از بزرگان علم حدیث، از اهل سنت

ما، در اینجا به طور خلاصه، تعداد اسناد بعضی از بزرگان علم حدیث، از اهل سنت، را در مورد حدیث غدیر، می آوریم:

احمد بن حنبل شیبانی به 40 سند

حافظ ابن جریر طبری به 75 سند

ابن حجر عسقلانی به 25 سند

جزری شافعی به 80 سند

حافظ ابن عقده همدانی به 105 سند

حافظ ابوسعید سجستانی به 120 سند

ص: 40

1- «الغدیر»، ج 1، ص 295 به بعد.

حافظ ابوبکر جعابی به 125 سند

امیر محمد یمنی به 150 سند

حافظ نسائی به 40 سند

حافظ ابو العلاء همدانی به 250 سند

فقیه ابن مغازلی شافعی به 100 سند

ابوالعرفان صبان شافعی به 30 سند

حافظ ناصرالسنه شافعی به 54 سند

و علامه میر حامد حسین هندی به 80 سند از اسناد اهل تسنن

و علامه امینی به 110 سند از اسناد اهل تسنن [\(1\)](#)

حافظ ناصر السنه مذکور، از محدثین و دانشمندان این عصر اهل تسنن

ص: 41

1- به «عبقات الأنوار»، «الغدیر»، «المراجعات» مراجعه شود.

است که در کتاب «تشنیف الآذان»، (1) این حدیث را با پنجاه و چهار سند، چنانکه گفته شد، روایت کرده است. این موضوع بسیار قابل توجه است، چون این دانشمند حدیث دان، مانند علامه امینی و سایر علمای فنی شیعه در صدد جمع آوری و تتبع اسناد غدیر نبوده است، و روی پیشامد بحث و موضوع تألیف خود، به آن رسیده - و با این وصف - پنجاه و چهار سند برای آن ذکر کرده است. این خود حاکی از شهرت بسزایی است که این حدیث در مدارک معتبر اسلامی دارد.

*

باز امواج روح بخش غدیر را می نگریم که در تأسیس سازمان تعلیم و تربیت و گشایش باب مدینه علم، اثری فناپذیر به وجود آورد؛

ص: 42

1- ص 77، «الغدیر»، ج 1، ص 151 و 311-313.

و در راه نشر معارف تابنده اسلام، در سراسر جهان، مشعلی خاموش نشدنی برافروخت.

مسلمانان، پس از درگذشت پیامبر گرامی، نیاز خود را به آموزنده ای دانا احساس کردند، و دانستند در مکتب تربیتی اسلام که روز به روز معلوماتشان فزونی می یافت، از منبع فیاض علم رسول استفاده می کردند و هیچ توجهی نداشتند. زیرا، در وضعی بسیار ساده و عادی و در ضمن معاشرتهای شبانه روزی، از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) حقایق معرفت و اخلاق و احکام را می آموختند. ولی هم اکنون توده ای خاک بین آنان و مربی ملکوتیشان فاصله انداخته و آن چشمه زاینده از جوشیدن افتاده و آن اشراق مقدس - که اسرار غامض حیات و معالم تکلیف را برایشان روشن می کرد - در کرانه ابدیت پنهان شده است.

ص: 43

در این هنگام، سایه ای که از خاموش شدن فروغ تعلیم در محیط اسلام دامن کشیده بود، برای آنان بسیار تاریک و وحشتناک بود؛ و افکار آشنا به علم قرآن و روح کنجکاو آنان، آرامش نداشت؛ و همواره در صدد اشباع حس دانش اندوزی و رازفهمی و نکته یابی بر می آمد.

اینجا بود که گشایش در شهر علم آغاز گشت، و پرتو عالمگیر حق از افق افکار علی بن ابیطالب «علیه السلام» در فضای جهان اسلام دامن گستر گردید، و خورشیدسان به پرورش ذرات پراکنده همت گماشت.

هر چند حکومت ظاهری امام امیر المؤمنین، تحت الشعاع حوادث اجتماعی و جنگهای ساختگی واقع گشت، اما وظیفه عالی او، که ترویج حقایق دین و نشر نوامیس عدل و آموختن علوم قرآن و رازهای آفرینش بود، از دوشش برداشته نمی شد. علی علیه السلام - همواره به جنبه معنوی

خلافت نظر داشت تا بتواند به وسیله اجرای سنن نبوی، سعادت انسانها را تأمین کند. آری، او از این جهت که وصی پیامبر است، وظیفه سنگینی به عهده دارد، و اوست که باید حقیقت اسلام را که دین علم و آیین « تزکیه و تعلیم » است، به وسیله نشر علم، نگهبانی کند و از هنگامه هایی که پس از رحلت پیامبر اکرم برای متزلزل ساختن ارکان غدیر به پا می شود جلوگیری نماید.

اگر احبار یهود و دانشمندان با اطلاع مسیحی، از دل صومعه ها و درون دیرها بیرون می آیند، و برای آزمایش جانشین رسول خدا « صلی الله علیه و آله » و آورنده وحی، مسائل مشکل کتب خود را طرح می کنند و در میان مسجد مسلمین با جمله « سؤالات ما را پاسخ دهید » هنگامه به پا می کنند، که باید جواب دهد؟

اگر برای اصحاب معضلاتی پیش می آید و معارف قرآن می رود که به دست فراموشی سپرده شود و به عنوان مجهول تلقی گردد، یا تأویل

شود، چه کسی باید از ناموس مقدس دین و معارف دین حمایت کند؟

وقتی قضاوت‌های بیجا حقوق مردم را پایمال می‌کند و بیگناهان را به اعدام و سنگسار شدن محکوم می‌سازد، و در روح جامعه اثری وخیم می‌گذارد، و برای امت تشنج فکری به وجود می‌آورد، کدام کس باید پا در میان گذارد و چهره رباینده قوانین سعادت بخش اسلام را بنمایاند؟

پس، او که در «شهر علم» پیغمبر است، باید برای همیشه - به روی جویندگان باز باشد و پژوهندگان را بپذیرد.

این بود که اصحاب در کسب علوم و معارف به مولای حقیقی خود رجوع کردند، و مبانی اولیه دانشهای دین را به فراخور استعدادشان فرا گرفتند. کم کم افق فرهنگ اسلام روشن شد؛ و به کمک معارف ائمه طاهرين «عليهم السلام»، و زحمات دانشمندان شیعه، حقایق اسلام در سراسر

ص: 46

جهان پراکنده گشت؛ و در علوم دقیق الهی و طبیعی و ... و فلسفه شرایع، که دیگران نمی توانستند با تبلیغات، و صرف مال و تأیید خلفای اموی و عباسی، خود را به عنوان دانند؛ آنها جا بزند، به خوبی شخصیت علمی خود و پیشوایانشان را ثابت کردند و احتیاج مسلمین را به خاندان نبوت آشکار ساختند.

در اثر این مبانی، نیز اصول تربیتی صحیحی که در خانواده های شیعه معمول بود، دهها دانشمند، ادیب، فیلسوف، مصلح، ریاضیدان، مفسر، فقیه، محدث، ستاره شناس، روانشناس، جامعه شناس و ... به تاریخ فضیلت و دانش تحویل داده شد، مانند:

خلیل بن احمد فراهیدی --- م: 175 ق

محمد بن یعقوب کلینی --- 329

ص: 47

معلم ثانی ابونصر فارابی ---339

شیخ ابو جعفر صدوق ---381

صاحب بن عباد ---385

شریف رضی ---406

شیخ مفید ---413

حسین بن عبدالله سینا ---427

شریف مرتضی ---436

ابوریحان بیرونی شیخ طوسی ---440 یا 430

شیخ طبرسی ---548

رضی الذین ابن طاووس حسنی ---663

خواجہ نصیرالدین طوسی ---672

ص: 48

جمال الدين علامه حلى ---726

شهيد اول (محمد بن مكى) ---786

شهيد ثانى (شيخ زين الدين) ---965

شيخ بهاء الدين عاملى ---1031

مير داماد حسينى ---1041

علامه مجلسى ---1111

سيد مهدي بحر العلوم ---1226

شيخ مرتضى انصارى ---1281

سيد جمال الدين اسد آبادى (1) ---1314

ص: 49

1- شرح حال اين دانشمندان به طور اختصاصى و عمومى در كتب بسيارى آمده است، كه از جمله آنهاست: «الغدير» - «الذريعه» - «اعيان الشيعه» - «لغت نامه» علامه دهخدا - «دائرة المعارف» فريد و جدى - «دانشمندان نامى اسلام» - «ريحانه الادب».

و آثار این دانشمندان، از علوم الهی تا ادبیات، و از حقوق تا ساده ترین آداب زندگی، در شمار ارزنده ترین مدارک علمی قرار گرفت، و شماری به زبانهای عربی ترجمه گشت. و سرگذشت زندگیشان برای روشن کردن عظمت مکتب تربیتی شیعه شاهدی زنده شناخته شد. البته اصول آموزشی ائمه طاهرین در تربیت این نوابغ بزرگ اثری اعجاز آمیز گذاشت؛ و مردانی را پرورش داد که نشان دهنده اخلاق و فضایل پیشوایان خود شدند؛ و در تمام فضیلتهای پرارزش، که شالودهٔ کاخ انسانیت و پایه قله های افرشته اخلاق است، یادگاری از تربیت خاندان رسالت و تعلیمات آنان گشتند. و در دانش دوستی و عظمت فکر و اندیشه، در پرهیزگاری و پارسایی، در تهذیب روح و توجه به ماورای جهان محدود، در ایجاد وسایل گوناگون برای گسترش علم و تقویت روح دانشجویان، در نوع پروری و توجه به بینوایان و محرومان و افتادگان اجتماع، در فراخوانی به اجرای

ص: 50

عدالت، و ... تا آنجا پیش رفتند که به صفحات تاریخ علم، معنویت و روح دادند و مورخان جهان را به ثناگستری خویش واداشتند.

« جرجی زیدان » در شرح حال «ابن سینا» می نویسد:

این فیلسوف طیب ، ارسطو و بقراط اسلام بود. او در وسعت اطلاعات و نیروی عقل از انسانهای یگانه روزگار بود. در هر فنی از علوم کتاب نوشت، و بیش از صد کتاب به جای گذارد. تألیفات او را در نهضت اخیر اروپا اثری عظیم بود. (1) چه، آنان بهترین و مهمترین کتابهایش را به زبان علم در نظر خودشان (لاتین)، ترجمه کردند. (2)

ص: 51

1- توجه کنند، بخصوص نسلهای جوان: « تألیفات او (ابن سینا) را، در نهضت اخیر اروپا، اثری عظیم بود».

2- « تاریخ آداب اللغه العربیه »، ج 2، ص 336 - 338 .

« علامه دهخدا » در احوال ابوریحان می گوید:

در هزار سال پیش بر دو تسطیح از تسطیحات چهارگانه کره زمین متفطن گشتن ، و نوع چاه آرتزین کشف کردن، و به استخراج «جیب یک درجه» توفیق یافتن ، و بالاتر از همه بنای علوم طبیعی بر ریاضی نهادن ، و قرن‌ها پیش از «بیکن» (1) برای حل معضلات علمی و فنی متوسل به استقراء شدن و ... برای معرفت اجمالی این داهی کبیر کافی است. (2)

باز جرجی زیدان می گوید:

نصیرالدین طوسی، فیلسوف ریاضی فلکی که علوم طبیعی را بسیار دوست میداشت ، مخصوصاً فلکیات را. از این رو در

ص: 52

-
- 1- (1561 - 1626) F.Bacon، فیلسوف تجربی معروف انگلیسی .
 - 2- « لغت نامه»، ج 1، ص 487، شرح حال ابوریحان بیرونی، ص 81.

مراغه رصدخانه بزرگی ساخت و کتابخانه ای تأسیس کرد و کتابهایی را که از اطراف به دست آمده بود، در آن گرد آورد؛ تا شماره کتابهایش از 400,000 افزون گشت. ستاره شناسان و فیلسوفان را در آن جای داد و اوقافی برای آنان معین کرد. دانش به دست این عنصر پارسی، در بلاد مغول درخشیدن گرفت. گویا او در تاریکی دامنه دار، شعله ای تابناک بود. [\(1\)](#)

نیز درباره « شیخ مفید » می نویسند:

وی پیشوای دانشمندان امامیه و پرچمدار علم کلام (عقایدشناسی) و فقه و بحث و مناظره بود. با اهل هر عقیده‌ای با جلال و شکوهی خاص، مباحثه می کرد. او صدقات

ص: 53

1- «تاریخ آداب اللغه»، ج 3، ص 234 - 235، نیز به کتاب «احوال و آثار خواجه نصیر الدین طوسی»، تألیف استاد محمد تقی مدرس رضوی، ص 25 - 33 رجوع شود.

و خیرات فراوان داشت و دارای خشوعی بسزا بود. بسیار نماز می خواند و روزه می گرفت. پارسا بود و جامه درشت می پوشید و بیش از دوست تصنیف داشت. جز پاسی از اول شب نمی خوابید ، سپس به پا می خاست و نماز می گزارد یا کتاب می خواند یا درس میگفت یا قرآن تلاوت می کرد.... (1)

« شیخ طوسی » بنیان گذار دانشگاه روحانی نجف را چنین معرفی می کنند :

آثار و تألیفاتش چهره زمان را فروزان کرد. در آنها بیشتر علوم اسلامی را گرد آورد و مسائل مشکل علمی و اعتقادی را حل کرد. وی بیش از سیصد شاگرد از مجتهدان شیعه داشت ؛ و از اهل تسنن آن قدر بودند که به شماره نیامدند. کرسی

ص: 54

1- « لسان المیزان »، تألیف ابن حجر عسقلانی شافعی ج 5، ص 368 از چاپ حیدر آباد، « الکنی والألقاب » ج 3، ص 171 - 172 چاپ دوم، «ریحانه الادب» ج 4، ص 58-61.

درسی که از آن بزرگترین دانشمند عصر بود، در بغداد از طرف خلفا به وی تفویض شده بود؛ و او برای دانشمندان مذاهب درس میگفت؛ و پس از اینکه کتابخانه اش سوزانده شد، به سوی نجف کوچ کرد. (1)

نیز در صفحات تاریخ می خوانیم که ابن طاووس حسنی، نقیب علویان، فقیه و دانشمند بزرگ، که همگان به تجلیلش پرداخته اند، هنگام زکات دادن 1/10 تمام غله را خود بر می داشت و بقیه را به مستمندان می داد. (2)

و شاید این داستان تکان دهنده (3) از سیر بحر العلوم هیچ گاه در تاریخ

ص: 55

-
- 1- «الکنی و الالقاب»، ج 2، ص 362 - 365، «حیاه الشیخ الطوسی - زندگانی شیخ طوسی»، تألیف علامه شیخ آقابزرگ تهرانی؛ ریحانه الادب ج 2، ص 399 - 401.
 - 2- «الکنی و الالقاب» ج 1، ص 334.
 - 3- «الکنی و الالقاب» ج 2، ص 62 - 63.

مردان بزرگ فراموش نگردد: شبانگاهی که یکی از شاگردانش را می خواند و با خشم و خروشی عجیب به وی پرخاش می کند که در همسایگی تو مردی بینوا با کودکان خود گرسنه به سر می برد و تو به حال آنان نرسیده ای! شاگرد بدین جمله « به خدا سوگند از حالشان آگاه نبودم»، پاسخ می دهد. بحر العلوم بیشتر می خروشد و می گوید: «همین مرا خشمگین کرده که نمی دانستی! اگر می دانستی و خبر نمی گرفتی که کافر بودی!! چرا به حال همسایه ات رسیدگی نکنی؟ چرا ندانی؟!»

این نمونه ای از کردار و افکار این مردان بزرگ بود، که این آثار گران ارج و این تاریخ مقدس را به وجود آورد، و اهمیت غدیر و مبانی تشیع را منعکس کرد، و فروغ تربیت را در سرتاسر اعصار و قرون تا زوایای اجتماعات ممالک اسلامی پیش برد.

ص: 56

اکنون نیز به امواج ساحل ریز غدیر ، که دامنه خود را به پهنه علوم و معارف جهان معاصر کشانده است می نگرییم؛ امواجی که در فراخنای دریای علوم به حرکت درآمده و سطحهای آرام را با تلاطم خود به جنبش درآورده است ، و روشنفکران و حقیقت طلبان را به نشر افکار و گفتار علی بن ابیطالب (علیه السلام) برانگیخته و به تألیف و تحلیل پیرامون شخصیت بی پایان وی و نشان دادن مقصود اساسی غدیر به پاداشته و آنان را یاری کرده است، تا آثاری جاویدان به جای گذارند که برای همیشه پرده از روی انحرافات تاریخ بردارد و حقایق محض را در معرض افکار قرار دهد.

کتابهایی فروزان که پرتو عنایت خداوندی و اعجاز توفیق بر سراسر سطر هایش دامن کشیده و عناصر مقدس نبوغ و معنویت و فروغ روح پرور حق شناسی و حقیقت یابی از خلال صفحاتش هویداست .

ص: 57

گفتاری پرتنین که چون بانگ جرس ، با قافله سیار زمان در سیر است ؛ و صفحاتی نورانی که پیوسته با طلوع و غروب اختران به تابشگری خود ادامه می دهد، و برای تازه آیندگان هر عصر و دوره ای به عنوان « اتمام حجت » سندی محکم شناخته می شود؛ و افکار را جلب کرده ، به کاوش واداشته سرانجام به حقیقت می رساند.

این خدمت بزرگ به اندیشه های پاک و عقاید حقه انسان - که در سرنوشت دو جهان و تصمیمات اجتماعی و تربیت اخلاقی هر فرد دخالت دارد - به دانشمندان والا قدر شیعه منحصر نمانده است. چه ، امواج گسترده غدیر، دامنه خود را به افکار علمای سایر مذاهب و ادیان نیز کشانده و حقایق را از زبان آنان بازگو کرده است .

این وضع انتشار حیرتبار این حقایق بوده است در روزگار پیشین ؛ اما در

ص: 58

این عصر نظری بیفکنید به هزاران مقاله و رساله و کتاب که از شخصیت‌های خاور و باختر درباره امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» انتشار یافته است و می‌یابد، که حتی ضبط فهرست آنها از حوصله گفتار ما بیرون است. (1)

امروز جلوه‌های ملکوتی و ابدی علی «علیه السلام» چنان افکار آگاهان را در خود خیره کرده که تنها وجود او بخشنده امید به حق و عدالت و انگیزه نشاط شده است. و اگر شعاع روح علی «علیه السلام» به مردمان دور دست تا آنجا بتابد که با تجلیات خود روشنشان کند و در پهنه فروزندگی خویش محوشان سازد، تا قلم به دست گیرند و با عواطفی پر شور و انشایی بلند و رنگین، گوشه‌ای از این حقیقت را آشکار سازند، پس

ص: 59

1- «الغدیر»، ج 3، ص 5-9، ج 6، صفحه ط-ی و 37-38 ج 7، صفحه ح، و «صوت العدالة» ج 5، ص 1210 و 1215 به بعد،

و ...

این شعاع چه تأثیری خواهد کرد اگر در کنار کانون خود، به جان و دل مردانی بتابد، که نمونه کامل احساسات شیعی، و نگهبان مرزهای مستحکم دین خدایند، و در دامن پاک تشیع پرورش یافته با «بامداد غدیر» و «شامگاه عاشورا» خو گرفته اند، و محبت پر سوز علی و آل علی به تار و پود آنان پیوسته است؟

از اینجاست که باید به ارج واقعی دانشمندان خود بیشتر پی ببریم؛ و با دیده ای که از فروغ تجلیل معنویات روشن است بدانان بنگریم...
[\(1\)](#)

ص: 60

1- این مقاله، سالها پیش در مشهد مقدس، در کتاب «حساس ترین فراز تاریخ، یا داستان غدیر» (تألیف جمعی از دبیران)، به چاپ رسیده است.

پیامبر اکرم « صلی الله علیه وآله »:

« مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ ... ».

- هر مسلمانی که من تاکنون، عامل رشد و هدایت او بودم، پس از این، علی عامل رشد و هدایت اوست .

ص: 61

آنچه نقل شد، جمله اصلی « حدیث غدیر» است، که گروه‌ها گروه، از اصحاب پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله»، آن را نقل کرده‌اند ...
تنها، علامه امینی، در کتاب عظیم «الغدیر»، نام 110 تن، از اصحاب و یاران پیامبر «صلی الله علیه وآله» را ذکر کرده است، که همه،
این حدیث را از پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله»، در صحرای غدیر (روز 18 ماه ذیحجه سال دهم هجری)، شنیده‌اند و همواره برای
مسلمانان دیگر نقل کرده‌اند.

همچنین ... در کتاب «الغدیر»، 361 تن، از عالمان و حافظان احادیث، و مورخان و مفسران و ... از برادران اهل سنت ذکر شده‌اند، که
همه در

ص: 62

کتابهای مهم و معتبر خود، حدیث غدیر را آورده و تثبیت کرده اند.

و از اینجاست که فیلسوف بزرگ شرق و اسلام، ابوعلی سینا، می گوید:

« وَالْإِسْتِخْلَافُ بِالنَّصِّ أَصَوَّبٌ » (1)

یعنی: درست ترین راه و روش، درباره جانشینی پیامبر «صلی الله علیه وآله»، این است که خود پیامبر اکرم، خلیفه و جانشین خود را تعیین کند، و به دست اتفاقات نسپرد.

*

و شاعران بزرگ اسلام - از عرب و ایرانی و ... در طول تاریخ، واقعه موج خیز غدیر را در اشعار خود سروده اند، و آن را فریاد کرده اند.

ص: 63

1- «شفا» - پایان «الهیات»، ص 452، از چاپ تحقیقی مصر .

حسان بن ثابت انصاری (م ح: 40 ق)، شاعر پیامبر «صلی الله علیه وآله»، در قصیده ای می گوید:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ *** بِحُجَّتِهِمْ، وَأَسْمِعَ بِالرَّسُولِ مُنَادِيَا

فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا وَلِيُّهُ *** فَكُونُوا لَهُ أَتْبَاعَ صِدْقِ مَوْلِيَا (1)

پیامبر اسلام، در روز غدیر، در میان مسلمانان فریاد زد، فریادی بلند: هر کس من تاکنون سرپرست ارشاد و هدایت او بودم، از این پس علی سرپرست ارشاد اوست، همه، پیروان راستین علی باشید!

و سپس شاعران قرون و اعصار، حدیث غدیر را سرودند و فریاد کردند.

ص: 64

1- «الغدیر»، ج 1.

حکیم سنائی غزنوی (م: 532 ق):

نایب مصطفیٰ به روز غدیر *** کرده در شرع خود، مر اورا میر

راز دار خدای، پیغمبر *** راز دار پیمبرش، حیدر

ملک الشعرا بہار (م: 1330 ش):

در «غدیر خم» یزدان، گفت مر پیمبر را *** کز پی کمال دین، شو پذیرہ حیدر را

پس پیمبر اندر دشت، بر نہاد منبر را *** برد بر سر منبر، حیدر فلک فر را

شد جہان دل روشن، زان دو شمس نورانی

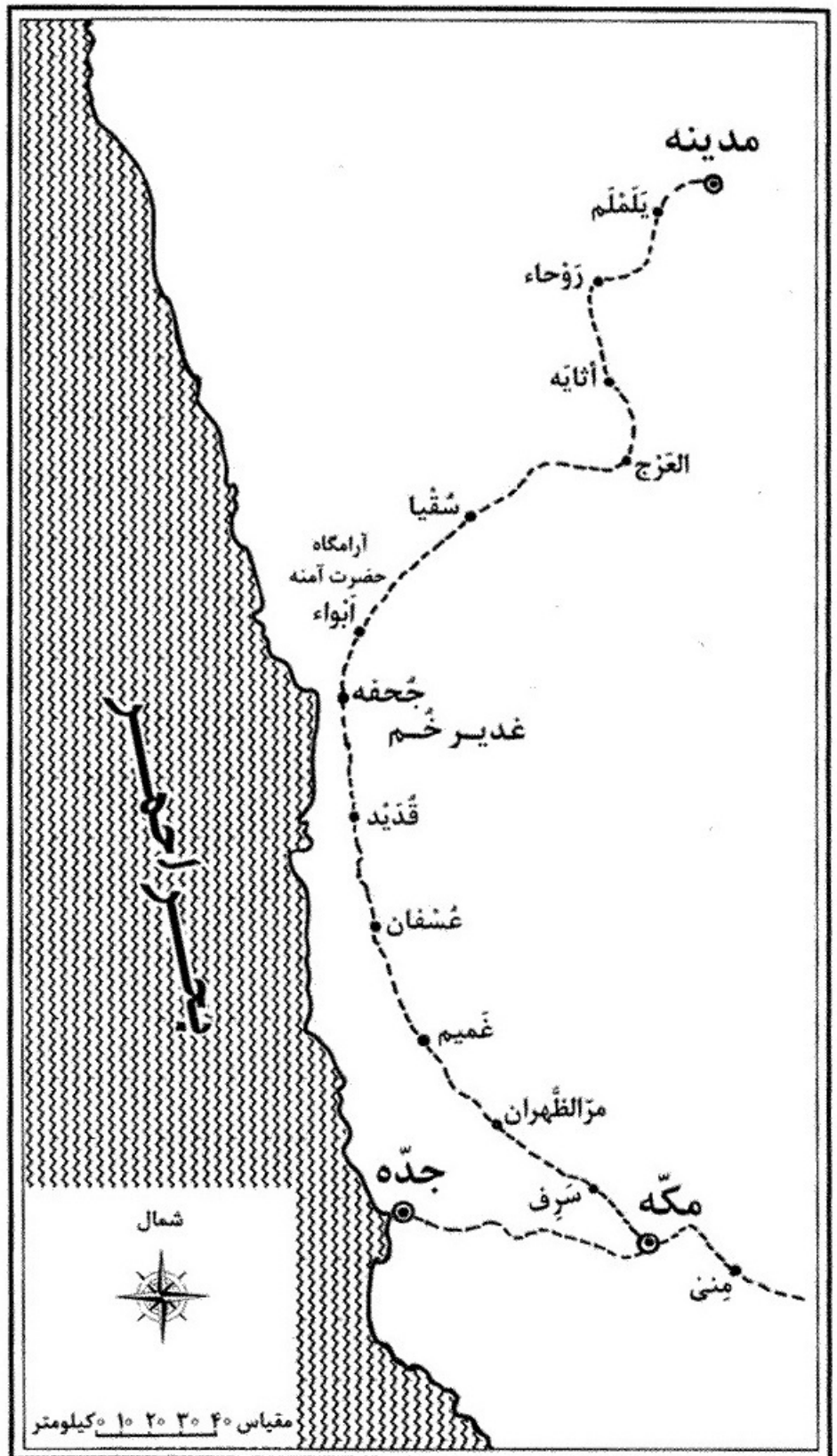
ص: 65

گفت : بشنوید ای قوم! قول حق تعالی را *** هم به جان بیاویزید، گوهر تولا را

پوزش آورید از جان ، این ستوده مولا را *** این وصی بر حق را، این ولی والا را

با رضای او کوشید، در رضای یزدانی

ص: 66



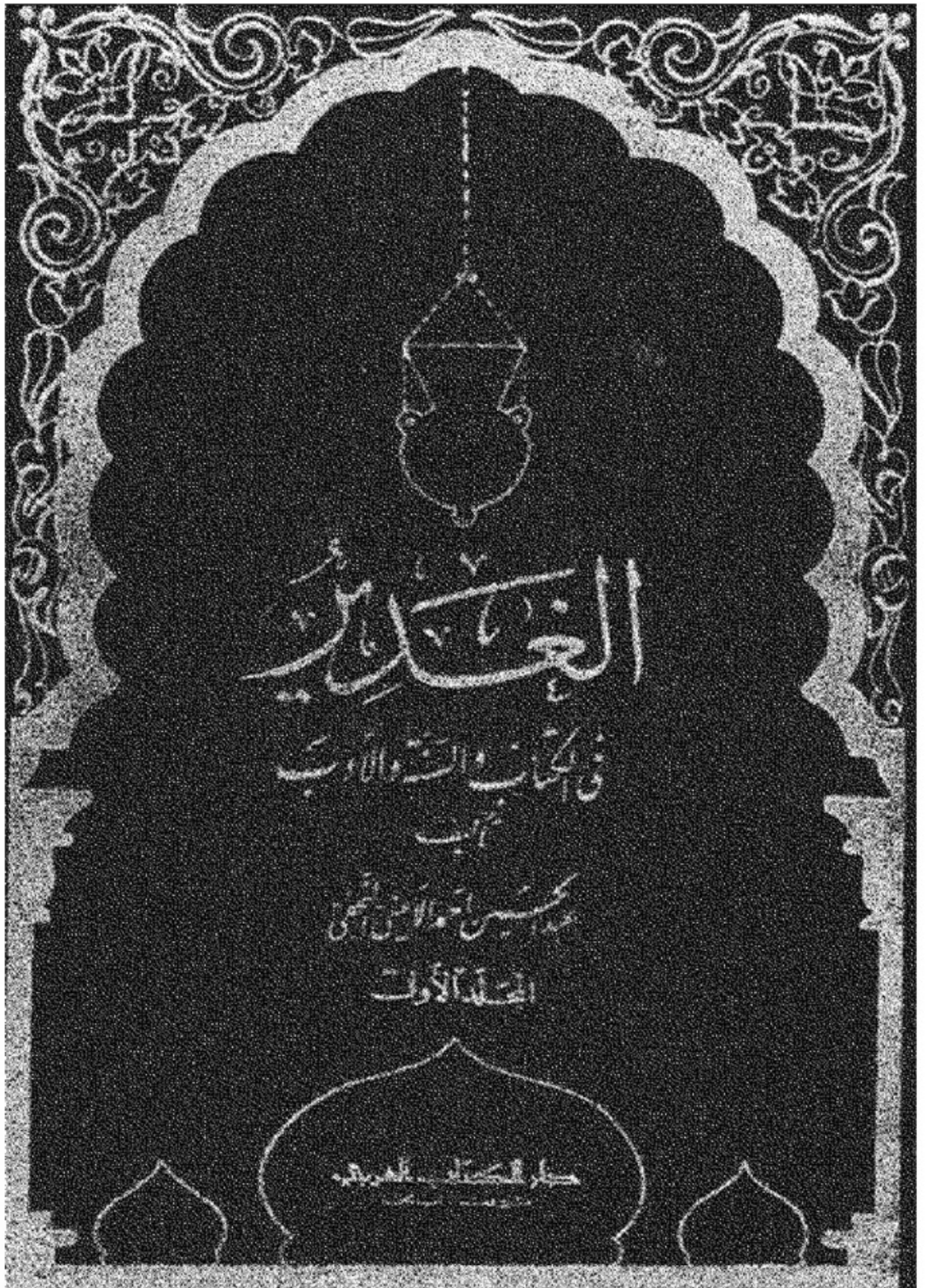
خط سیر پیامبر بزرگ اسلام از مدینه به مکه در سفر حجه الوداع و محل غدیر خم



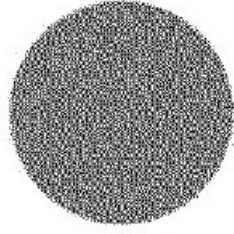
تصوير

jpg.69^.

ص: 69

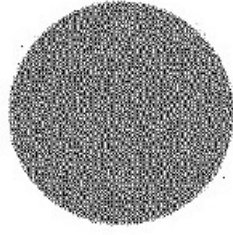






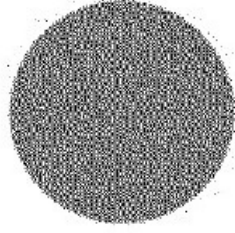
سرود جہشہا

محمد رضا حکیمی



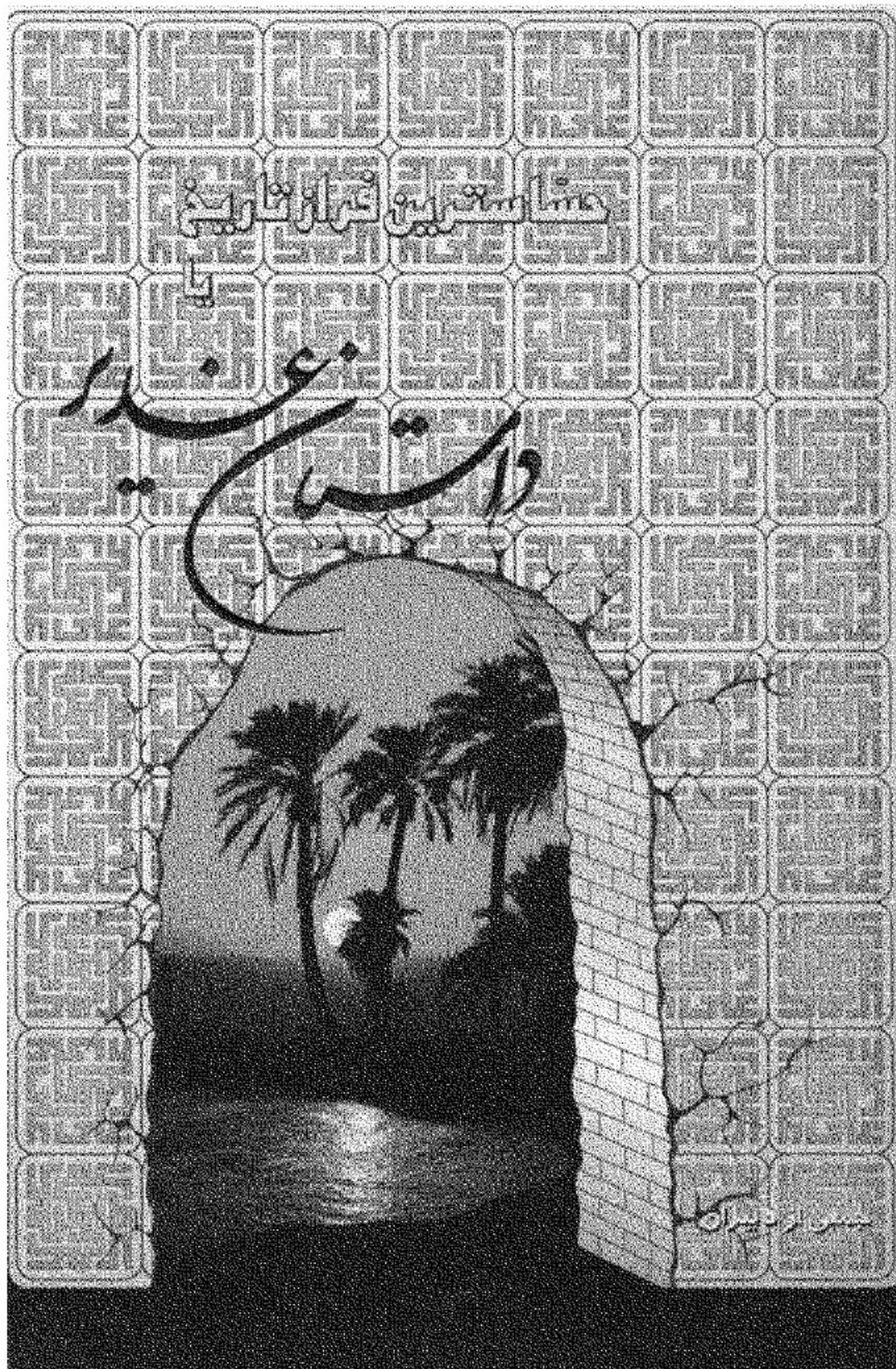
بعثت، غدیر، عاشورا، مہدی

محمد رضا حکیمی



حماسة غدیر

محمد رضا حکیمی





نگاهی به دریا از دور

امیرمهدی حکیمی

با مقدمه استاد علامه محمد رضا حکیمی

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

